

Original Article

Gender Discrimination Against Women in Iran's Administrative and Political Laws According to The Constitution



Mohammad Javad Javid¹, Omid Nowrozi², Tahira Farmanesh^{3,*}

¹ Associate Professor Faculty of Law and Political Science University of Tehran ,Tehran,Iran

² Assistant Professor, Faculty of Law and Political Sciences, Azad University, Shahriar Branch, Alborz, Iran

³ Ph.D. in Theology, Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mazandaran University, Mazandaran, Iran



Citation Mohammad Javad Javid, Omid Nowrozi, Tahira Farmanesh, **Gender Discrimination Against Women in Iran's Administrative and Political Laws According to The Constitution.** *J. Law Political Stud.*, 2023, 3(4), 266-275.

<https://doi.org/10.48309/jlps.2023.4.3>



Article info:

Received: 25 September 2023

Accepted: 01 November 2023

Available Online: 17 December 2023

ID: JLPS-2311-1091

Checked for Plagiarism: Yes

Keywords:

,rights political ,constitution Iran's
,rights women's ,rights administrative
law labor

ABSTRACT

The content of the Constitution of the Islamic Republic of Iran can be considered based on two types of gender discrimination against women, which can be analyzed in two ways: positive and negative. Women have the same rights as men in the field of administrative and labor law, and it is emphasized in the Constitution. Article 21 of the Constitution, targets women's rights and obliged the government to guarantee women's rights in all aspects by observing Islamic standards. However, the requirement to comply with Islamic standards caused the word political man to be associated with a gendered interpretation in the interpretation of Article 115 of Constitution, without necessarily having such an intention on the part of the legislator. The interpretation of Iran's Guardian Council in 2015 also did not help to solve this problem in favor of women's rights and to achieve equal political rights with men, and this discrimination remains in effect. The research method of this article is qualitative with a descriptive analytical approach and gathering information from articles, books and internet sites. The result is that because the majority of men dominate the administrative affairs, the interpretation of the Guardian Council has led to discrimination against women in practice and unintentionally, and although positive discrimination in favor of women is included in the Iranian Constitution, but in the practice of interpretation of this Council; its effect has overshadowed and led to negative discrimination against women.

مقاله پژوهشی

تبعیض جنسیتی نسبت به زنان در حقوق اداری و سیاسی ایران باتوجه به قانون اساسی

محمدجواد جاوید^۱، امید نوروزی^۲، طاهره فرمنش^{۳*}

^۱ دانشیار حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۲ استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد شهریار، البرز، ایران

^۳ دکترای الهیات، گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران



ارجاع محمدجواد جاوید، امید نوروزی، طاهره فرمنش، تبعیض جنسیتی نسبت به زنان در حقوق اداری و سیاسی ایران

باتوجه به قانون اساسی، نشریه حقوق و مطالعات سیاسی، دوره ۳، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲: ۲۷۵-۲۶۶.

<https://doi.org/10.48309/jlps.2023.4.3>

چکیده



اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۰۳ مهر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۰ آبان ۱۴۰۲

تاریخ آنلاین شدن: ۲۶ آذر ۱۴۰۲

آی دی مقاله: JLPS-2311-1091

بررسی شده با نرم افزار سرقت ادبی: بله

کلیدواژگان:

قانون اساسی ایران، حقوق سیاسی، حقوق اداری، حقوق زنان، قانون کار

محتوای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را می توان مبتنی بر دو نوع تبعیض جنسیتی در مورد زنان دانست که این تبعیض ها از دو قسم مثبت و منفی قابل بررسی هستند. زنان در زمینه حقوق اداری و قانون کار، دارای حقوقی برابر با مردان هستند و بر آن در قانون اساسی تأکید شده است و اصل ۲۱، حقوق زنان را هدف قرار داده و می گوید دولت موظف است با رعایت موازین اسلامی حقوق زنان را در همه ابعاد تضمین کند. با این حال، قراردادن قید الزام به رعایت موازین اسلامی باعث شد که در تفسیر اصل ۱۱۵ قانون اساسی، واژه رجل سیاسی با تعبیری جنسیتی همراه باشد، بدون آنکه الزاماً چنین قصدی از سوی قانون گذار وجود داشته باشد. تفسیر شورای نگهبان ایران در سال ۱۳۹۵ نیز در استفاده از همین واژه عملاً کمکی به حل این معضل به نفع حقوق زنان و برای دستیابی به حقوق سیاسی برابر با مردان نکرد و این تبعیض به قوت خود باقی است. روش پژوهش این مقاله کیفی و با رویکرد توصیفی تحلیلی و گردآوری اطلاعات از مقالات، کتاب ها و وبگاه های اینترنتی است. نتیجه آنکه چون اکثریت مردان بر امور اداری تسلط دارند، تفسیر شورای نگهبان نیز در عمل و به صورت ناخواسته منجر به تبعیض علیه زنان شده و اگرچه تبعیض مثبت به نفع زنان در قانون اساسی ایران گنجانده شده است، اما در عمل تفسیر این شورا تأثیر آن را تحت الشعاع قرار داده و منجر به تبعیض منفی علیه زنان گردیده است.

مقدمه

امضای مظفرالدین شاه رسید و تا سال ۱۳۵۷ اجرا می شد، که بعداً قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جایگزین شد. این قانون ۵۱ اصل داشت که بیشتر به طرز کار مجلس شورای ملی و مجلس سنا مربوط می شد، به همین دلیل در آغاز به «نظامنامه» نیز مشهور بود. حقوق زنان در آن بیشتر به صورت عمومی درج شده است، اما در مورد حقوق سیاسی، اجتماعی

قانون اساسی ایران در طول زمان تغییر و تفسیر داشته است و بر همین اساس، مفاهیم متفاوتی برای توضیح حقوق زنان در آن نهفته است. طبق قانون اساسی اول در سال ۱۹۰۶ میلادی و ۱۲۸۵ هجری شمسی زنان در برابر قانون از حقوق مساوی برخوردار بودند، «قانون اساسی اول در هشتم دی ماه ۱۲۸۵ خورشیدی (۱۴ ذی قعدة ۱۳۲۴ قمری) به

۱- حقوق سیاسی برای زن طبق قانون اساسی ایران

حقوق سیاسی زنان بر اساس قوانین ایران همواره در معرض تغییر و مناقشه بوده است. طبق قانون اساسی اول در سال ۱۹۰۶ میلادی معادل ۱۲۸۵ هجری شمسی، زنان هیچ حقوق سیاسی خاصی نداشتند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، بین سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۵ میلادی، ذیل حکومت پادشاهی ایران زنان حق شرکت در انتخابات و انتخاب کردن و انتخاب شدن را داشتند. در کمال ناباوری قانون اساسی ۱۳۵۷ هجری شمسی، پس از انقلاب اسلامی، این حقوق را لغو نکرد، بلکه با رعایت مجموعه‌ای از حقوق سابق، محدودیت‌های جدیدی را اعمال کرد که مشارکت سیاسی آنها را تحت تأثیر قرار می‌داد. می‌بینیم که در مقدمه این قانون اساسی جدید ایرانی و اسلامی قانونگذار بیان داشته است: «در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استعمار همه‌جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازایی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود». در اینجا به صورت غیرمستقیم بر حقوق زنان و احقاق آن تأکید می‌کند. پس از این تأیید در ادامه مقدمه بدون اشاره به حقوق سیاسی و اجتماعی زنان و با تأکید بر جنبه خانواده محور بودن حقوق زن می‌گوید: «با این مفهوم از خانواده، «زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت «شیء بودن» و یا «بزار کار بودن» در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پُر ارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیش‌رو و هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود». هدف قانون اساسی در اینجا رساندن زنان به مرحله‌ای مساوی با مردان در مجموعه‌ای از حقوق البته غیر از حقوق سیاسی است؛ لذا حقوق زنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیشتر در ضمن خانواده تعریف می‌شود. از این‌رو

یا اداری آنها چیزی مشخص نیست. بین سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۵ میلادی، زنان از حقوق بیشتری مانند رأی دادن، طلاق، نامزدی، و ارث بردن و انتفاع از دارایی تحت مالکیت خود برخوردار شدند. با این حال، در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی و ذیل قانون اساسی دوم^۱، پس از انقلاب اسلامی، حقوق اجتماعی بیشتری را برای زنان وعده داده شد. آزادی‌ها در ابعاد اداری، سیاسی و شخصی برای زنان افزایش یافت اما به تبع آن، اعمال محدودیت‌های جدید بر روی قوانین مترتب با پوشش، حضانت فرزند، ارث و سفر به خارج از کشور نیز انجام گرفت. یکی از چالش‌برانگیزترین ابعاد این محدودیت‌ها آن است که قانون اساسی کنونی صراحتاً زنان را از انتخاب شدن به‌عنوان رئیس‌جمهور منع نمی‌کند، اما هیچ کدام از زنان داوطلب ریاست‌جمهوری و خواهان نامزدی ریاست‌جمهوری تاکنون برای حضور در انتخابات ریاست‌جمهوری تأیید صلاحیت نشده‌اند. این در حالی است که قانون اساسی کنونی قید معینی در نص خویش پیرامون عدم مشروعیت شرکت یا انتخاب زنان به‌عنوان رئیس‌جمهور ندارد، اما در عمل گویی بر مبنای یک رویه نانوشته در مرحله بررسی صلاحیت، این موضوع اعمال می‌گردد و به همین دلیل هیچ‌کدام از زنان تاکنون برای منصب ریاست‌جمهوری تأیید نشده‌اند. مشخص است که قانون اساسی ایران بر مشارکت مساوی زن و مرد در تعیین سرنوشت سیاسی، اداری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود^۲ تأکید کرده اما آن را در ذیل رعایت موازین اسلامی تبیین نموده است و به نظر می‌رسد دلیل اصلی رد صلاحیت زنان نیز در ابتدا با این موضوع گره خورده است. این مقاله در نظر دارد به بررسی چالش‌های این موضوع براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بپردازد.

^۱ قانون اساسی دوران پهلوی با عنوان بازنگری در قانون اساسی به عنوان قانون دوم شناخته می‌شود و قانون اساسی بعد از انقلاب اسلامی سومین قانون اساسی است.

^۲ اصل ۲۰ قانون اساسی مقرر داشته است: «حمایت قانون شامل همه افراد مردم اعم از زن و مرد به طور یکسان می‌شود. آنها از کلیه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در چارچوب موازین اسلامی برخوردارند».

قانونگذاری، مدیریت، اجرا و نظارت مشارکت تأثیرگذار در امور مختلف داشته باشند». موضوع موازن البته می‌تواند حقوق برابر را عملاً با تفسیری مضیق فلج کند. با توجه به جایگاه زن در قانون اساسی شورای عالی انقلاب فرهنگی به پیشنهاد شورای فرهنگی اجتماعی زنان در سال ۱۳۸۳ هجری شمسی منشور حقوق و مسئولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران را تصویب کرد. در فصل چهارم این منشور موضوع حقوق سیاسی زنان مطرح می‌شود از جمله ماده ۱۱۵ که بیان می‌نماید: «حق تأسیس احزاب و دیگر تشکلهای سیاسی و فعالیت در آنها با رعایت حفظ استقلال کشور، وحدت ملی و مصالح نظام اسلامی». ذیل ماده ۱۱۶ نیز آورده است: «حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن در مجلس یا شوراهای مختلف، مشارکت در برنامه‌ریزی‌های دولتی و تصدی مدیریت‌های عالی با رعایت موازن». اما چنان که می‌بینیم موضوع مهم در این خصوص تأکید قانون‌گذار بر مسئله و کلمه طبق «موازن» است که موجب و موجد تبعیض در مقام تفسیر می‌تواند باشد. چون اگر قرار باشد حقوق اساسی مبتنی بر قانون اساسی تابعی از موازن شریعت باشد؛ آنگاه باید برای برابر در حقوق و یا تبعیض مثبت بیشتر از فقه اسلامی کسب تکلیف کرد و باتوجه به مناقشه‌برانگیز بودن این حوزه عملاً تفسیر رسمی نیاز خواهد بود تا حقوق زنان را بر اساس قوانین موضوعه تبیین کند. به‌عنوان مثال قانون اساسی فعلی؛ زنان را به‌صراحت از حقوق سیاسی از جمله انتخاب شدن به‌عنوان رئیس‌جمهور یا حتی به‌عنوان رئیس دولت یا استانداری منع نمی‌کند، اما همان‌طور که اشاره کردیم، در عمل تاکنون هیچ‌یک از زنان برای کاندیداتوری ریاست‌جمهوری تأیید نشدند و صرفاً زنان می‌توانند عضو پارلمان و شوراهای محلی، شهر و روستا باشند، اما در عمل بعضاً با تبعیض جناح‌ها و نهادهای محافظه‌کار روبرو هستند به‌طوری‌که زنان به‌عنوان کاندیدای مستقل کمتر شانس موفقیت دارند. هرچند این مسئله در مورد مردان هم شاید صدق کند؛ ولی در نگاه مستقل به حقوق زنان چالش مذکور جدی‌تر است. البته برخی

در اصل ۲۱ مجدداً تأکید بر حمایت زنان و مادران در امور مرتبط با خانواده هم‌چون امنیت، سلامت و بیمه است. گویی قانونگذار از پیش برای زنان هویت مستقل منفک از هویت جمعی و خانوادگی نمی‌بیند. در اصول دیگر نیز از جمله اصل ۱۰ بر حقوق خانواده تأکید دارد: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد» و اصل ۲۰ با بیان کلمه زن و مرد قصد تصریح بر حقوق هر یک از آنان به صورت مساوی دارد: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازن اسلام برخوردارند». ضمن تأکید بر آنکه بیمه خاص برای زنان سالخورده و بی‌سرپرست و زنان بیوه از سوی دولت باید تأمین گردد. علاوه بر تأمین حقوق مادی زن در اصل بیست و یکم به ابعاد عاطفی و احساسی و معنوی زن توجه شده و در مواردی قیومیت فرزندان به مادران اعطا می‌شود زیرا عواطف و احساسات پاک مادری از قوی‌ترین عواطف انسانی است. با این همه کل موارد ناظر به یک جایگاه مرکزی زن در کانون خانواده است. حتی منشور حقوق شهروندی و منشور حقوق زنان هم نتوانسته است مسئله حقوق سیاسی زنان را به صورت عملی درمان کند. در منشور حقوق شهروندی مصوب ۱۳۹۵ ذیل عنوان حق کرامت و برابری انسانی در ماده ۷ که به ابتکار دولت یازدهم نوشته شده است آمده: «همه شهروندان از کرامت‌های انسانی و تمامی مزایای پیش‌بینی شده در قوانین به طور یکسان برخوردارند که این موضوع طبعاً شامل حال زنان جامعه نیز می‌باشد» و همچنین در ماده ۸ منشور آمده و در مورد زنان نیز صدق می‌کند: «انجام هرگونه تبعیض ناروا به ویژه دسترسی شهروندان به خدمات عمومی نظیر خدمات بهداشتی و فرصت‌های شغلی و آموزشی ممنوع است. بنابراین زنان طبق موازن اسلامی می‌توانند در سیاست‌گذاری،

قانونی‌ای را به وی می‌دهد که معمولاً با اعمال یک نوع ولایت و حاکمیت توأم بوده و این موضوع در رابطه با رجال از مشروعیت دینی و الهی برخوردار می‌گردد. (عمیدزنجانی، ۱۳۶۲: ۱۸۴).

با این حال اصطلاح رجال مذهبی و سیاسی در نگرش برخی دیگر با این احتمال بررسی شده است که ممکن است متبادر از ذهن از معنای اعتباری شخصیت‌های سیاسی و مذهبی را به دور از جنسیت (زن یا مرد) در نظر گرفت؛ ولی معنای لغوی عبارت «رجال» منصرف به «مردان» دارد در مقابل «نساء» که به معنای «زنان» می‌باشد (معین، ۱۳۶۶: ۱۶۳۹).

که می‌توان نتیجه گرفت که داوطلبان ریاست‌جمهوری حتماً می‌بایست از میان مردان انتخاب و نصب گردد. (هاشمی، ۱۳۸۲، ۲: ۲۷۰).

برخی نیز با انحصاری دانستن معنای کلمه «رجال» معتقدند اصل در کلمات بر طبق اصول فقه بر این است که در معانی حقیقی خود به کار رفته‌اند و در صورت احتمال در بکارگیری آنها در معنای مجازی، لازم است قرینه‌ای دال بر آن بکار گرفته شده باشد از سوی دیگر، در کلام قانونگذار نیز اصل بر آن است که منظور ایشان معنای حقیقی لفظ رجال است و در صورتی که بر معنای مجازی آن یعنی انتخاب فرد شاخص و برجسته در مذهب و سیاست اهتمام داشته، می‌بایست قرینه‌ای بر این معنی ارائه می‌گردیده اما اینگونه نمی‌باشد. (نجفی اسقادی و محسنی، ۱۳۷۱: ۲۸۱).

در حالی که برخی از چهره‌های اصلاح طلب و اعتدالی معتقدند این واژه، زنان را مستثنی نمی‌کنند و زن نیز می‌تواند یک شخصیت مذهبی و سیاسی باشد. زیرا معتقدند که موضوع «رجال سیاسی و مذهبی» مرتبط با موضوع ولایت نمی‌باشد و ولایت به صورت مجزا از آن رهبری است و موضوع ریاست‌جمهوری صرفاً تنفیذ امر می‌باشد؛ در نتیجه یک قدرت اجرائی است که از لحاظ حقوقی یک وکالت محسوب می‌گردد. (گرچی، ۱۳۶۴، ۳: ۱۷۷۰).

معتقدند که این مسائل بیشتر یک مشکل فرهنگی باشد تا قانونی. (حیدری و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۵).

در هر صورت حقوق سیاسی زنان در ایران اغلب تحت تأثیر فضای سیاسی، توازن قدرت بین اصلاح طلبان و تندروها و فشارها و تحریم‌های بین‌المللی بر این کشور است. بنابراین مسلّم است که زنان در ایران می‌توانند تمامی مناصب سیاسی را بر عهده بگیرند و منعی در این زمینه طبق قانون اساسی وجود ندارد. اما آیا یک زن می‌تواند رئیس‌جمهور یا رهبر کشور باشد؟ برای پاسخ به این سوال، بحثی بین علما و مسئولان ایرانی بر سر تفسیر قانون اساسی و معیارهای نامزدهای ریاست‌جمهوری وجود دارد. بر اساس اصل ۱۱۵ قانون اساسی ایران، رئیس‌جمهور باید از میان «مردان»، رجال مذهبی و سیاسی انتخاب شود.^۳

کلیدواژه‌ای که جنجال برانگیخت این است کلمه «رجل» که در زبان عربی به معنای جمع مرد است اما می‌تواند به معنای «فرد» نیز باشد یا حتی رجال می‌تواند شخصیت‌ها یا «مردان» به معنای کلی‌تر هم باشد. برخی از روحانیون و حقوق‌دانان محافظه‌کار معتقدند که این کلمه به معنای این است که فقط مردان می‌توانند ریاست‌جمهوری را بر عهده بگیرند و قائل‌اند که هدف اصلی قانون‌گذار از ذکر عبارت «رجال مذهبی» به این است که شخص رئیس‌جمهور می‌بایست از میان مردان مذهبی و سیاسی کشور انتخاب شود و این با معنای لغوی این اصلاح انطباق دارد، در نتیجه زنان نمی‌توانند به ریاست‌جمهوری ایران انتخاب شوند. (وفادار، ۱۳۷۷: ۵۶۰).

برخی نیز اختیارات ریاست‌جمهور را در کشور از جهت حاکمیت و ولایت مورد نظر قرار داده و قائلند که از آنجا که حکم ریاست‌جمهوری را رهبر حکومت اسلامی تنفیذ و امضا می‌نماید در نتیجه با این اقدام اختیارات اجرایی و اقتدارات

^۳ رئیس‌جمهور از میان شخصیت‌های مذهبی و سیاسی که دارای شرایط زیر باشند انتخاب می‌شود: «ایرانی الاصل بودن دارای تابعیت ایرانی دارای قابلیت‌های اداری و مدیریت خوب؛ با گذشته خوب صداقت و تقوا در آن موجود است؛ مومن به اصول اساسی جمهوری اسلامی ایران و دکترین رسمی کشور».

نامزد شود، با شورای نگهبان است. شورای نگهبان، یک نهاد ۱۲ نفره متشکل از شش روحانی که توسط ولی فقیه منصوب می‌شوند و شش قاضی که توسط رئیس قوه قضائیه معرفی می‌شوند و به تصویب مجلس می‌رسند. تا به امروز، شورای نگهبان هیچ‌گاه کاندیداتوری یک زن برای ریاست‌جمهوری را تأیید نکرده است، اگرچه از سال ۱۹۹۷ میلادی تاکنون، ده‌ها زن به‌عنوان نامزد در هر دوره از انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت نام کرده‌اند.^۴ موضوع موازین که سابقاً اشاره کردیم در اینجا نشان می‌دهد که دقیقاً مناط یا ابزاری در دست شورای نگهبان است به طوری که تنها مرجع رسمی تطبیق و توضیح کلمه «موازین» است. با این حال گزارش‌های بعدی شورای نگهبان هم موضوع مفهوم «رجال» در قانون اساسی را حل نکرد و شورا در واقع تفسیرهای قبلی را تکرار کرد. هرچند مسئله امامت و رهبری و حتی کلمه «ایمه» در قرآن اختصاصی به مرد ندارد با این حال هنوز زمان نیاز هست تا تفسیر حقوقی شورای نگهبان را از تفسیر فقهی کلاسیک تفکیک کرد. بنابراین به نظر می‌رسد در نظام حقوقی و سیاسی کنونی ایران، ریاست‌جمهوری اسلامی ایران توسط یک زن بسیار بعید است، مگر اینکه اصلاحی در قانون اساسی و یا تفسیری از شورای نگهبان صورت گیرد. به هر حال در عمل گفته می‌شود که البته حضور زنان همان‌گونه که در مجلس، در وضع و تصویب قوانین مربوط به آنان بی تأثیر نبوده است در صورت قرار گرفتن آنها در قله قدرت سیاسی هم امید به بهبود و خوانش بهتر از حقوق زنان تسهیل می‌شود. البته این می‌تواند یکی از دلایل نگاه منفی به حقوق موسع سیاسی زنان در ایران هم باشد.

^۴ در سال ۱۴۰۰، هفت زن به‌عنوان نامزد ریاست‌جمهوری ثبت نام کردند، اما هیچ‌یک از آنها در آزمون شورای نگهبان موفق نشدند و تنها شورای نگهبان هفت نامزد از نزدیک به ۶۰۰ ثبت نام‌کننده را تأیید کرد که همگی مرد بودند. این شورا دلیل خاصی برای حذف نامزدهای زن ذکر نکرد اما برخی از آنها مدعی شدند که به دلیل جنسیت رد شده‌اند. سخنگوی شورا گفت: «تصمیمات این شورا بر اساس موازین قانونی و مصالح نظام بوده است». از این داده‌ها می‌توان فهمید که برخی تصمیمات می‌توانند سیاسی باشند. اخبار فوری، پوشش زنده، نظرات و ویدئوها (۳۰ TRT) آوریل ۲۰۲۳، موجود در:

presiden-female-a-have-iran-https://www.trtworld.com/mea/can

برخی نیز معتقدند که «رجال» که در اصل ۱۱۵ قانون اساسی ذکر گردیده، ریشه در منابع فقهی ندارد و کاملاً موضوعی عرفی است و به هر حال این حرکت‌ها، حرکت‌های فرهنگی - اجتماعی است و با عنایت به تفسیرهای اهل لغت، معنی اصطلاحی کلمه «رجال» منصرف به مردان نبوده و به معنای بزرگان، نخبگان، شخصیت‌ها و در واقع عقلای جامعه می‌باشد. (طالقانی، ۱۳۴۶: ۵).

برخی نیز بحث ریاست‌جمهوری زنان را بحثی عرفی است و معتقدند در اصل ۱۱۵ قانون اساسی به هیچ وجه منظور مردان نمی‌باشد؛ زیرا «رجال» لفظی عربی است که فقط به مردان اشاره نمی‌نماید بلکه به معنی شخصیت‌ها، بزرگان و برجستگان جامعه نیز است و در قانون اساسی نیز اگر منظور قانونگذار مردان بود، قطعاً ضرورتی برای استعمال کلمه «رجال» وجود نداشت و قانونگذار از عبارت صریح مردان استفاده می‌نمود؛ زیرا در تدوین قانون، اصل بر این است که قانونگذار بیانی را به کار برد که ابهام و اجمال نداشته باشد و در عین حال ما در فقه دلیل متقنی پیرامون این نکته که بگوید زن نباید رئیس‌جمهور شود نداریم. (بجنوردی، ۱۳۴۶: ۳)

برخی با رجوع به موضوع مصالح در قوانین کشور تعبیر ظریف موجود در اصل ۱۱۵ قانون اساسی پیرامون استعمال و اختصاص مقام ریاست‌جمهوری به مردان را صرفاً در راستای رعایت مصلحت مقطعی کشور دانسته و نه به جهت رعایت اصل شرعی ممنوعیت زن از ولایت و حکومت بر جامعه؛ و اگر این چنین بود، به طریق اولی می‌بایست زن را از تمامی مقامات هم تراز آن از جمله نمایندگی و عضویت در مجلس قانونگذاری نیز منع می‌نمود. (مهرپور، ۱۳۷۴: ۲۳۰) اگرچه از نظر سیاسی اختلاف نظر وجود دارد، اما برخی حقوقدانان حقوق عمومی و اساسی ایران معتقدند که از نظر حقوقی زنان ممکن است که بتوانند رییس‌جمهور و شاید رهبر هم بشوند. البته ممکن است به دلایل فقهی، فرهنگی یا سیاسی، این نظر علمی و حقوقی در عمل به راحتی قابل حصول نباشد. تصمیم نهایی در مورد اینکه چه کسی می‌تواند برای ریاست‌جمهوری

۲- حقوق اداری برای زن طبق قانون اساسی ایران

حقوق بشر به‌عنوان ملاک تبیین و تدوین اصول در قانون اساسی در حقوق اداری نیز به سبب عجین بودن رابطه مردم با دولت و حکمرانی نفوذ داشته و باعث شده است تا این قانون نیز ملزم به رعایت قواعدی شود که ریشه در لازم‌الاتباع بودن حقوق شهروندان از جمله زنان در اداره حکومت داشته باشد. براین اساس دفاع از حقوق زنان به‌عنوان بخش قابل‌توجهی از شهروندان در ذیل حقوق بنیادین آنان مانند آزادی در عقیده و بیان، دسترسی به اسناد، اطلاعات و فرایندهای اداری غیرمحرمانه، آزادی در حفظ حریم خصوصی و مالکیت‌های مفروض در فقه و حقوق موضوعه برای ایشان، آزادی در معاملات و مراودات مالی و تجاری و اصول ارزشمندی دیگری همچون برابری در اداره و دریافت خدمات و عدم وجود تبعیض به سبب جنسیت از اهمیت بسیاری برخوردار است. از این رو در ادارات و مؤسسات دولتی، و در اداره امور و منابع آنان و مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری از جمله مسایل‌های توجه به این حقوق بنیادین زنان است. البته نمی‌توان کتمان نمود که زنان ایرانی ذیل تبعیت حاکمیت از مبانی دین اسلام از حق دسترسی به آموزش و مراقبت‌های بهداشتی تحت‌نظر مؤسسات و خدمات مختلف دولتی و خصوصی برخوردارند؛ باین حال، این حقوق اغلب به دلیل بسیاری از موانع قانونی و عملی محدود و یا مختومه گردیده‌اند که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. بر اساس ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی برای زن کار در خارج از منزل نیاز به اذن شوهر دارد. این ماده به شوهران این حق را می‌دهد که از اشتغال همسران خود در مشاغلی که با مصالح خانوادگی یا حیثیت آنها سازگار نیست، جلوگیری کنند.
۲. طبق مواد ۱۱۱ تا ۱۲۰ قانون کار نیز که قائل است زنان نمی‌توانند در مشاغلی کار کنند که مقامات آن را برای جنسیت خود مضر یا نامناسب می‌دانند. این مواد به وزارت کار و امور

اجتماعی این اختیار را می‌دهد که براساس معیارهایی مانند قوای جسمانی، سلامت، اخلاق و هنجارهای اجتماعی تعیین کند که کدام حرفه برای زنان مناسب است و کدام شغل مناسب نیست. (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۵)

۳. زنان درصد قابل‌توجهی از نیروی کار دستمزدی در ایران را تشکیل می‌دهند. در عین حال، بر اساس گزارش‌ها و آمارهای مختلف، زنان نمایندگی و نفوذ محدودی در پست‌های مدیریتی دارند و تنها شش درصد از مجلس، سه درصد از کابینه و یک درصد از محافظه‌کاران را تشکیل می‌دهند. همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم، زنان برای نامزدی برای برخی مناصب مانند ریاست‌جمهوری یا قوه قضائیه با موانع قانونی روبرو هستند. (حسن نیا و فاضلی، ۱۳۹۸: ۸۱)

۴. از نظر امید به زندگی، مرگ‌ومیر مادران، باروری و دسترسی به خدمات بهداشتی وضعیت زنان در سال‌های اخیر بهبود یافته است. بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی (WHO)، امید به زندگی در ایران برای زنان در بدو تولد از ۶۵ سال در سال ۱۹۹۰ میلادی به ۷۷ سال در سال ۲۰۱۹ میلادی، افزایش یافته و ۱۶ مرگ در هر ۱۰۰۰۰۰ تولد زنده در سال ۲۰۱۹ میلادی بوده و نرخ باروری کل از ۵ یا ۶ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۹۸۶ میلادی به ۲ یا ۰ فرزند به ازای هر زن در سال ۲۰۱۶ میلادی، کاهش یافته است. نسبت زنانی که حداقل یک بار در طول بارداری از مراقبت‌های دوران بارداری دریافت کردند از ۸۹ درصد در سال ۲۰۰۰ میلادی، به ۹۷ درصد در سال ۲۰۱۵ میلادی، افزایش یافت. طبق اصل ۲۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت موظف است حقوق زنان به طور اختصاصی از هر لحاظ تضمین کند و در اصل ۲۹ قانون اساسی، موظف گردیده است که حمایت از بیمه و تأمین اجتماعی را «به طور عمومی» برای همه تأمین کند. همچنین برای الحاق ایران در کنوانسیون شماره ۱۰۲ (کنوانسیون تأمین اجتماعی ۱۹۵۲ میلادی)، نیز دولت موظف شده است که حق تأمین اجتماعی را برای همه

مردم به ویژه زنان اعمال نماید. (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰: ۶۳)

با این حال، در حوزه‌هایی مانند آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و نمایندگی سیاسی، حقوق اداری زنان در ایران همچنان موضوعی مورد مناقشه و در حال تحول است که به عوامل بسیاری مانند هنجارهای اجتماعی، تفاسیر مذهبی، اراده سیاسی و فشار بین‌المللی بستگی دارد.

۳- حقوق کار و حقوق اداری با راهکار در ابعاد بین‌المللی

در ایران تبعیض یا اقدام مثبت برای زنان وجود دارد، اما دارای ابعاد رسمی نیست. اقدام مثبت، در واقع سیاست یا رویه‌ای است که به منظور افزایش نمایندگی گروه‌های محروم از نظر تاریخی در آموزش، اشتغال یا سایر زمینه‌ها انجام می‌شود.^۵ از این رو، حقوق زنان در ایران در زمینه حقوق کار مورد حمایت قرار گرفت و تلاش‌های قانونی برای کاهش تبعیض فرهنگی و تاریخی صورت گرفت. (جاوید، ۱۳۹۲: ۱۵۳) برخی قائلند که تبعیض مثبت به نفع زنان خطرناک است. با این حال، در این مورد، ایران در حال حاضر هیچ سیاستی در جهت اقدام مثبت رسمی، برای زنان در محیط کار ندارد. این در حالی است که برای تحقق برابری و عدالت در خصوص حقوق سیاسی و اداری زنان، تبعیض مثبت لازم است. (جاوید و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۹).

البته برخی ابتکارات و برنامه‌ها وجود دارد که هدف آنها حمایت و توانمندسازی زنان در بخش‌ها یا زمینه‌های خاص است؛ به‌عنوان مثال: دولت ایران از سال ۲۰۱۲ میلادی، سهمیه ۳۰ درصدی را برای پذیرش زنان در آموزش عالی در نظر گرفته است که منجر به افزایش تعداد دانشجویان دختر در دانشگاه‌ها شده است. دولت ایران همچنین برخی صندوق‌ها و سازمان‌ها را برای ارائه وام، کمک‌های بلاعوض، آموزش و راهنمایی به زنان کارآفرین و صاحبان مشاغل ایجاد کرده

است. برخی از شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های غیردولتی نیز طرح‌هایی را برای ارتقای رهبری، توسعه مهارت‌ها و ارتباطات زنان در صنایع مختلف مانند فناوری، رسانه و هنر به راه انداخته‌اند. اینها نمونه‌هایی از تبعیض مثبت یا اقدام مثبت برای زنان در ایران است. با این حال، غلبه بر موانع ساختاری و قانونی که زنان در محیط کار با آن روبرو هستند، کافی نیست. برای تضمین حقوق و فرصت‌های برابر برای زنان در بازار کار هنوز اصلاحات جامع‌تر و مؤثرتر مورد نیاز است. بنابراین پیشنهاد شده است که زنان از حقوق حمایتی برخوردار باشند. بسیار طبیعی است که شرکت‌های خصوصی به طور کامل مایل به استخدام زنان نیستند، زیرا کارگران یا کارمندان زن در مقایسه با هم‌تایان مرد خود مشکلات خاصی در زمینه زنانگی دارند. اگرچه این مشکل در همه کشورهای جهان وجود دارد، اما حقوق‌دانان و جامعه‌شناسان در ایران مقالات و کتاب‌هایی در این زمینه نوشته‌اند و سعی کرده‌اند الزامات قانونی را برای توجه شرکت‌های خصوصی به شرایط خاص زنان وضع کنند. (جاوید و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۱-۱۷۳).

برخی دیگر از کشورهایی که سیاست‌های اقدام مثبت برای زنان اتخاذ کرده‌اند، عبارتند از: هند، آفریقای جنوبی، برزیل، مالزی و نروژ. (مور، ۱۳۹۷: ۵۶).

قانون حمایت از خانواده و جوانان ایران در سال ۲۰۲۱ میلادی، تلاش کرد تا به وضعیت زنان شاغل توجه ویژه‌ای داشته باشد. اما این حمایت بیشتر برای مادران است تا دختران و زنان مجرد. بنابراین، نوعی حمایت از حقوق اداری و کارگری زنان و دختران شاغل با توجه به جایگاه زنانه آنها همواره ضروری است. توجه به خلأ قانونی به تنهایی می‌تواند در این زمینه مفید باشد. از این رو، قانونگذار با توجه به تفاوت‌های طبیعی زن و مرد، از تساوی حقوق آنان در محیط کار و مدیریت حمایت می‌کند. (جاوید و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۸).

^۵ برخی از کشورها برای مقابله با نابرابری جنسیتی و تبعیض، سیاست‌های اقدام مثبتی را برای زنان اتخاذ کرده‌اند. (بریتانیکا، اقدام مثبت | تعریف، تاریخچه و موارد. دسترسی در مه ۲۰۲۳، موجود در: <https://www.britannica.com/topic/affirmative-action>)

۲. جاوید، محمدجواد، (۱۳۹۵). «تبعیض مثبت در اسلام و حقوق اقلیت های دینی در حکومت اسلامی»، مجله حکومت اسلامی سال ۱۸، شماره ۱ (پیاپی ۶۷)، صص ۱۳۸-۱۶۲.

۳. حسن نیا، علی، زهرا، فاضلی. ۱۳۹۸. «مطالعه تطبیقی حقوق سیاسی اجتماعی زنان، پیش و پس از انقلاب اسلامی ایران»، مجله مطالعات تطبیقی پژوهش های معاصر اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۷۳-۹۲.

۴. حسینی، راحله سادات؛ جاوید، محمدجواد؛ حسینی، سید محمد؛ درویشی بابک. (۱۴۰۰). «زنان و حق بر تأمین اجتماعی با تأکید بر قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات راهبردی زنان، دوره ۲۳، شماره ۹۱، صص ۴۹-۷۰.

۵. حیدری، لادن، محمد جلالی، سیدرضا صالحی و محمد جواد جاوید. (۱۳۹۷). «نقش سیاسی شهروندان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و دیدگاه های مرتبط با آن». مجله حقوق پزشکی، دوره ۱۲، شماره ۴۶.

۶. عمیدزنجانی، عباسعلی. (۱۳۶۲). *مبانی فقهی کلیات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. چاپ اول، تهران، انتشارات دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.

۷. گرجی، منیره. (۱۳۶۴). *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. جلد سوم، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.

۸. معین، محمد. (۱۳۶۶). *فرهنگ معین*، یک جلدی، چاپ بیستم، تهران، نشر زرین.

۹. منشور حقوق و مسئولیت های زنان در جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۸۳). شورای عالی انقلاب فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی زنان، جلسه ۵۴۶.

۱۰. موسوی بجنوردی، سید محمد. (۱۳۴۶). *مجله زنان*، شماره ۳۵.

۱۱. مور، ویلیام. (۱۳۹۷). «زمینه های حفظ برتری با مسدود کردن اقدام مثبت»، شماره ۱۷، صص ۵۴-۵۹.

و اقدام به تخصیص امتیازات بیشتر به زنان به دلیل زنانگی و وضعیت طبیعی آنها نسبت به مردان نموده است. این مفهوم تبعیض مثبت به نفع زنان است که نه تنها در ایران بلکه در قوانین بین المللی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. همانطور که گفته شد، طبیعی است که شرکت های خصوصی به دلیل هزینه های اضافی از این پیشنهاد استقبال نمی کنند، بلکه تعهد دولت ها برای نهادینه سازی برابری واقعی برای شهروندان زن با مشروعیت بخشیدن به اقدام مثبت است.

نتیجه گیری

زنان ایرانی بر طبق قانون اساسی در مقام نظر از حقوق کامل سیاسی و اداری برخوردارند. البته این قانون در عمل هم پیشرفت خوبی داشته است و جایگاه زنان در عرصه های کار دولتی، مدیریت سازمانی، امور اجتماعی و فرهنگی و نیز در عرصه های قضایی و سیاسی رشد چشمگیری داشته است و نیز در ذیل قانون اساسی، در قوانین مدنی و استخدامی ایران تلاش شده است تا تبعیض اساسی که مبنای فرهنگی و تاریخی نیز دارد، از بین برود. از سوی دیگر با اعمال نوعی تبعیض مثبت در شرایطی وضع حقوق زنان چنان که دیدیم بهبودیافته است. اما در حقوق سیاسی در عمل مشخص است که قانون اساسی ایران بر مشارکت مساوی زن و مرد در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود تأکید کرده؛ اما آن را در ذیل رعایت موازین اسلامی تبیین نموده است و به نظر می رسد دلیل اصلی رد صلاحیت زنان نیز در ابتدا با این موضوع گره خورده است؛ بنابراین به نظر می رسد در نظام حقوقی و سیاسی کنونی ایران، ریاست جمهوری اسلامی ایران توسط یک زن بسیار بعید است، مگر اینکه اصلاحی در قانون اساسی و یا تفسیری از شورای نگهبان صورت گیرد.

منابع و مأخذ

۱. جاوید، محمدجواد، عباس اشرفی و عصمت شاهمرادی. (۱۳۹۴). «تبعیض مثبت به نفع زنان با تأکید بر حقوق شهروندی. مطالعات استراتژیک زنان»، دوره ۱۷، شماره ۶۶، صص ۱۵۷-۱۹۳.

۱۲. مهرپور، حسین. (۱۳۷۴). حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهارم، تهران، نشر اطلاعات.
۱۳. وفادار، علی. (۱۳۷۷). حقوق اساسی و تحولات سیاسی. چاپ دوم، تهران، نشر شروین.
۱۴. نجفی اسفاد، مرتضی و فرید محسنی. (۱۳۷۱). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. چاپ دوم، تهران، انتشارات بین‌المللی المهدی.
۱۵. هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۹۸۲). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم. چاپ سوم، تهران، نشر میزان.